

## شکست تلاش‌های دیپلماتیک و تشدید بحران

در هفته‌ای که گذشت تلاش‌های دیپلماتیک برخی دولت‌ها برای کاهش تنش و بحران میان دولت‌های آمریکا و جمهوری اسلامی ادامه یافت، اما این تلاش‌ها به نتیجه‌ای نرسید. نخست، وزیر خارجه آلمان به تهران سفر کرد و با وزیر خارجه جمهوری اسلامی و حسن روحانی پیرامون تلاش اروپا برای حفظ برجام، لزوم پایبندی جمهوری اسلامی به تعهدات خود در چارچوب برجام و کاهش تنش در خاورمیانه گفتگو کرد. اما از کنفرانس مطبوعاتی دو وزیر خارجه آشکار بود که این سفر دست آوردی برای طرفین نداشت. وزیر خارجه آلمان گفت: "اروپا تلاش خواهد کرد منافع اقتصادی ایران در چارچوب برجام تأمین شود، اما نباید انتظار معجزه داشت."

وی افزود: "شرایط در منطقه خاورمیانه بسیار حساس و جدی است و باید تلاش نماییم تا از احتمال یک درگیری جلوگیری کنیم." ظریف هم در مورد راحل کاهش تنش با آمریکا گفت "شخص آقای ترامپ گفته در جنگ اقتصادی با ایران هستیم. دلیل تنش در منطقه این است. تنها راه کاهش تنش در منطقه، توقف جنگ اقتصادی در منطقه است." این کنفرانس با جدال طرفین بر سر اسرائیل به پایان رسید.

در اواخر هفته گذشته نیز نخست‌وزیر ژاپن در راستای همین تلاش‌های دیپلماتیک وارد ایران شد. نخست‌وزیر ژاپن که در اصل قرار بود به دعوت جمهوری اسلامی در چارچوب مناسبات دوجانبه به ایران سفر کند، تلاش نمود که در جریان این سفر، نقش واسطه میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی را بر عهده گیرد و پیام ترامپ به خامنه‌ای را برای گشودن باب مذاکره و توافق‌های احتمالی آینده به وی برساند. او بار دیگر گفته‌های پیشین ترامپ را تکرار کرد که

در صفحه ۲

**اطلاعیه مشترک در  
حمایت از فراخوان به  
تجمع بازنشستگان  
در مقابل مجلس  
روز ۲۸ خرداد ماه**

در صفحه ۷

## بازنشستگان و ضرورت ایجاد یک تشکل فراگیر و سرتاسری



وضعیت اقتصادی و معیشتی مستمری‌بگیران و بازنشستگان کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی که جمعیتی بالغ بر ۶ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند، روز به روز وخیم‌تر شده است. نزدیک به ۶۵ درصد این جمعیت حداقل‌بگیر هستند و اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. به‌رغم اعتراضات متعدد و مکرر بازنشستگان طی چند سال اخیر اما کابینه روحانی جز یک رشته وعده‌های پوچ و توخالی، هیچ اقدامی برای بهبود وضعیت زندگی بازنشستگان انجام نداده و از پذیرش خواست‌های آن‌ها سرباز زده است.

در صفحه ۳

## جنایات سرمایه‌داران در گرمای ۵۰ درجه

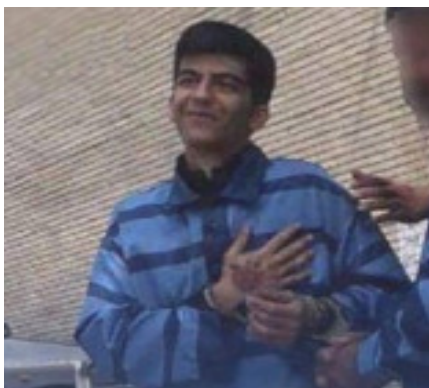
در صفحه ۱۰

## چالش کنونی زنان علیه حجاب اجباری

همزمان با شروع فصل گرما، تحرکات سرکوبگرانه نهادهای جاسوسی، پلیسی و قضایی جمهوری اسلامی علیه زنان شدت گرفته است. ناگفته پیداست که پیشبرد این سیاست و متوسل شدن هیئت حاکمه ایران به انواع مختلف شیوه‌های سرکوب علیه زنان، خود ناشی از شکست جمهوری اسلامی در تحمیل پوشش اجباری به زنان است. چرا که به رغم چهار دهه اعمال فشار و سرکوب جهت اجرای حجاب و تحمیل نوع خاصی از پوشش مورد نظر جمهوری اسلامی به زنان، اما دختران و زنان جامعه ما هرگز به این خواست ارتجاعی و واپسگرایانه طبقه حاکم تن در نداده اند. آنها در این سال‌ها، همواره به طرق

در صفحه ۵

## قتل علیرضا شیرمحمدعلی، جنایت سازمان‌یافته‌ای دیگر



خبری که بارها شنیده شده است، اما، هر بار، همچنان درد و حیرت برمی‌انگیزد: "یک زندانی سیاسی در زندان فشافویه به قتل رسید." خبر درباره زندانی سیاسی، علیرضا شیرمحمدعلی، ۲۱ ساله است که روز دوشنبه ۲۰ خرداد در زندان فشافویه به طرز فجیعی با بیش از ۳۰ ضربه تیزی (شیئی برنده) توسط دو زندانی محکوم به اعدام از بابت جرایم قتل و مواد مخدر به قتل رسید. علیرضا از اهالی نازی‌آباد تهران بود که اواسط تیر ماه ۱۳۹۷ به علت فعالیت در فضای مجازی بازداشت شده بود، در دادگاه رژیم

در صفحه ۶

**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

## شکست تلاش‌های دیپلماتیک و تشدید بحران

دولت آمریکا قصد جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی را ندارد و می‌خواهد صادقانه با جمهوری اسلامی مذاکره کند.

گزارشی که از این دیدار از سوی دفتر خامنه‌ای انتشار یافت، می‌گفت: در ابتدای این دیدار شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن خطاب به خامنه‌ای گفت: "من قصد دارم پیام رئیس‌جمهور آمریکا را به جنابعالی برسانم. خامنه‌ای هم در پاسخ به وی گفته است: ما در حسن نیت و جدی بودن شما تردیدی نداریم اما در خصوص آنچه از رئیس‌جمهور آمریکا نقل کردید، من شخص ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم و هیچ پاسخی هم به او ندارم و نخواهم داد. مطالبی را که بیان خواهم کرد، در چارچوب گفت‌وگو با نخست‌وزیر ژاپن است زیرا ما ژاپن را کشوری دوست می‌دانیم، اگرچه گلابه‌هایی نیز وجود دارد." این دیدار نیز نهایتاً کمکی به تخفیف منازعه نکرد، بلکه بالعکس بر پیچیدگی آن افزود. چراکه عجلتاً راه را حتی بر میانجیگری دولت‌های دیگر نیز بست.

خامنه‌ای گفت: "مذاکره زیر فشار را قبول نخواهد کرد" این فشار چیست که اگر برداشته شود، می‌تواند مذاکرات شروع شود؟ پیش از وی، روحانی در دیدار با نخست‌وزیر ژاپن پاسخ این سؤال را داده بود. او در جریان کنفرانس مطبوعاتی خود با نخست‌وزیر ژاپن گفت: "ریشه تنش‌های موجود در منطقه به جنگ اقتصادی آمریکا علیه مردم ایران برمی‌گردد و هرگاه این جنگ متوقف شود، شاهد رویداد بسیار مثبت در منطقه و جهان خواهیم بود." البته روحانی در این اظهار نظر کوشید که وسط دعوا نرخ تعیین کند و پای مردم ایران را به نزاع دو دولت ارتجاعی اسلامی و امپریالیست بکشانند. درحالی‌که نه مردم ایران نقشی در این نزاع داشته و دارند و نه مردم آمریکا. در این مسئله تردیدی نیست که فشار تحریم‌های دولت آمریکا بر دوش توده‌های مردم ایران تحمیل شده است، اما چه چیزی باعث این تحریم‌ها شده است؟ نزاع دو دولت مرتجع بر سر توسعه طلبی و هژمونی در منطقه خاورمیانه. از همین روست که از تمام ابزارهای زور و فشار علیه یکدیگر استفاده می‌کنند، تا طرف مقابل را به توافق و تسلیم وادارند.

آنچه می‌توان به‌ویژه از تحركات دیپلماتیک چند روز گذشته برای میانجیگری دریافت، این است که ابزارهای کنونی فشار طرفین نزاع، هنوز به آن مرحله نرسیده که حتی وارد مذاکره مستقیم با یکدیگر شوند، تا چه رسد به توافق و زد و بند. جمهوری اسلامی همان‌گونه که اشاره شد، شرط مذاکره را لغو تحریم‌ها اعلام کرده است. شرطی ناممکن. روشن است که امپریالیسم آمریکا این شرط را نخواهد پذیرفت، چراکه حتی تعلیق تحریم‌ها به معنای فروپاشی آن‌ها خواهد بود. از همین روست که پس از شکست تلاش نخست‌وزیر ژاپن، ترامپ نیز اعلام کرد: "به‌شخصه احساس می‌کنم که حتی فکر دستیابی به یک توافق هم خیلی زود است. نه آن‌ها آماده‌اند و نه ما." اما بعد چه؟ این وضع تا کی و تا کجا می‌تواند ادامه یابد، به‌ویژه که اتفاقات نظامی جدیدی در منطقه رخ داده است.

هم‌زمان با مذاکرات نخست‌وزیر ژاپن با خامنه‌ای، دو کشتی که حامل محموله‌های متانول و نفتا برای ژاپن بودند مورد حمله قرار گرفتند و به آتش کشیده شدند. دولت آمریکا بلافاصله پس از این حمله به کشتی‌ها، جمهوری اسلامی را متهم کرد و وزیر خارجه آمریکا گفت: "«ارزیابی دولت ایالات متحده این است که جمهوری اسلامی ایران مسئول حملاتی است که امروز (پنجشنبه ۲۳ خرداد) در دریای عمان صورت گرفت.»"

«این ارزیابی بر اساس اطلاعات امنیتی، سلاح‌های مورد استفاده، سطح تجربه مورد نیاز برای این حمله، حملات اخیر مشابه ایران علیه کشتیرانی و این واقعیت که هیچ گروه نیابتی در منطقه منابع و کارایی برای دست زدن به چنین اقدام پیچیده‌ای ندارد، صورت گرفته است.»

مقامات جمهوری اسلامی نیز نخست حمله به کشتی‌ها را یک اقدام مشکوک نامیدند و نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، دولت آمریکا را عامل این حملات معرفی کرد. دولت‌های دیگر به‌جز انگلیس که از موضع‌گیری آمریکا حمایت کرد، یا سکوت کردند و یا طرفین را به آرامش فراخواندند. شورای امنیت نیز پشت درهای بسته جلسه تشکیل داد، اما این روال عادی کار است. تصمیمی نگرفت و نخواهد گرفت، چراکه در درون ۵ قدرت بزرگ در شورای امنیت، بر سر نزاع جمهوری اسلامی و دولت آمریکا، اختلاف نظر وجود دارد.

با این اوصاف چه اتفاق جدیدی رخ خواهد؟ سرپرست وزارت دفاع آمریکا روز جمعه ۲۴ خرداد گفت که "دولت دونالد ترامپ در پی حمله به نفتکش‌ها در دریای عمان به دنبال ایجاد اجماع جهانی در برابر جمهوری اسلامی ایران است"

اجماع جهانی برای چه و با چه هدفی؟ دولت آمریکا تلاش خواهد کرد به بهانه حفاظت از

کشتی‌های تجاری و اسکورت آن‌ها، نیروهای نظامی متحدان بین‌المللی خود را زیر فرماندهی نیروی نظامی آمریکا وارد منطقه کند تا از یکسو، کشورهای دیگر را نیز مستقیماً وارد این نزاع کند و از سوی دیگر، هزینه این تشدید بحران را بر دوش آن‌ها قرار دهد. بنابراین، آنچه می‌تواند به‌فوری رخ دهد، میلیتاریزه شدن بیشتر سراسر منطقه خلیج فارس، دریای عمان و حتی دریای عرب است. این افزایش حضور نظامی در مناطق مرزی ایران، البته می‌تواند احتمال درگیری نظامی موضعی را افزایش دهد، اما این احتمال منتفی یا بسیار ضعیف است که در شرایط موجود، حتی با تشدید منازعه و بحران، بتواند به جنگ منجر گردد. چرا که به‌جز احتمالاً دولت‌های اسرائیل و عربستان، فعلاً هیچ دولتی خواهان چنین جنگی نیست. جمهوری اسلامی نه‌فقط توان اقتصادی و نظامی وارد شدن به چنین جنگی را ندارد، بلکه بیش از هر چیز نگران وضعیت داخلی خود است که با بحران‌های متعدد و موج وسیعی از ناراضیاتی توده‌ای، حتی بدون جنگ مواجه است. دولت آمریکا هم در شرایط کنونی به دلایل متعددی که پیش‌ازین مکرر در نشریه کار توضیح داده شده است، آمادگی یک چنین جنگی را ندارد. پس چه خواهد شد؟

وضع موجود همراه با افزایش تنش و تشدید بحران، لاف‌ها تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ادامه خواهد یافت. آنگاه است که احتمالاً طرفین تصمیم قطعی را بر سر این نزاع اتخاذ خواهند کرد. در این میان آنچه می‌تواند اوضاع کنونی را تغییر دهد، نقشی است که توده‌های مردم ایران می‌توانند بر عهده گیرند. چنانچه کارگران و زحمتکشان ایران به وضع موجود و فشارهای روزافزون تمکین نکنند و به انقلاب روی آورند، همه معادلات در هم خواهد ریخت. راه حل قطعی این نزاع و بحران نیز در همین‌جاست. منافع کارگران و زحمتکشان ایران در این است که به پا خیزند، ابتکار عمل را خود در دستگیرند و سرنوشتشان را خودشان تعیین کنند و اجازه ندهند جمهوری اسلامی و دولت آمریکا برای آنها تصمیم بگیرند.



### زنده باد سوسیالیسم!

#### کارگران و زحمتکشان!

سازمان فدائیان (اقلیت) یک سازمان کمونیستی و کارگری ست که برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار یک نظام کمونیستی، متشکل از انسانهای آزاد و برابر، از طریق یک انقلاب اجتماعی مبارزه میکند. به صفوف سازمان فدائیان (اقلیت) بپیوندید.

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

## بازنشستگان و ضرورت ایجاد یک تشکل فراگیر و سرتاسری



روحانی در رابطه با بازنشستگان چیزی جز یک مشت وعده‌های پوچ و توخالی، دروغ‌گویی، شارلاتانیسم، کلاهبرداری و سرداندن آن‌ها نبوده است. شواهد موجود نیز نشان می‌دهد رویه کابینه و مجلس در برابر بازنشستگان به همین شکل ادامه خواهد داشت و بنابراین به جز تشدید مبارزه و گسترش آن، به جز اتحاد و سازماندهی اعتراضات متحدانه و سرتاسری و در عین حال اتحاد و پیوند جنبش اعتراضی بازنشستگان با جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش‌های اعتراضی راه دیگری در برابر بازنشستگان باقی نمانده است.

دوشنبه ۲۰ خرداد، جمعی از بازنشستگان، بار دیگر در مقابل صندوق بازنشستگی در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند و به طرح مکرر خواست‌های خود پرداختند. در جلسه علنی مجلس در همین روز نامه ۱۵۲ نماینده خطاب به روحانی در خصوص افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان قرائت شد. در این نامه ضمن اشاره به مصوبه مجلس (تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۹۸) که دولت را مکلف می‌کند حقوق کلیه کارکنان لشکری و کشوری شاغل و بازنشسته را علاوه بر ۴۰۰ هزار تومان تا ۱۰ درصد اضافه کند، به دولت انتقاد شده که "منویات مجلس" را رعایت نکرده است. اما همه تلاش نمایندگان مجلس که به ظاهر وانمود می‌کردند پیگیر اجرای مصوبه خود هستند، سرانجام به این خلاصه شد که جلسه‌ای با مسئولین دیوان محاسبات و سازمان امور استخدامی کشور برگزار و بررسی کنند که آیا دولت نسبت به افزایش حقوق بازنشستگان قانونی عمل کرده است یا نه!

و اما در نحوه محاسبه میزان افزایش حقوق بازنشستگان نیز دولت چنان تردستی‌ها و پیچ و خم‌هایی ایجاد کرد که نه فقط بازنشستگان، بلکه حتا نمایندگان مجلس هم از آن سر در نیاوردند و بالاخره این‌که سرنوشت مصوبه مجلس به کجا کشید، نامشخص ماند. در این مورد میعاد صالحی مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری وقتی که از تقاضای صورت گرفته با سازمان برنامه و بودجه و تعهد آن برای تخصیص ۱۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان بابت افزایش سنواتی و همسان‌سازی برای سال ۹۸ و همچنین صدور احکام جدید بازنشستگان خبری داد متذکر شد که "چگونگی افزایش حقوق برای هر فرد بازنشسته با موظف براساس عوامل مختلفی چون سابقه بالای ۳۰ سال، مناطق جنگی، گروه شغلی، طبقه شغلی، سنوات خدمت، پُست مدیریتی و غیره متفاوت بوده و روش محاسبه آن تفاوت دارد و برای هر فرد بصورت جداگانه باید مورد محاسبه قرار گیرد و لزوماً دو فرد با سابقه بازنشستگی یکسان و یک گروه شغلی، حقوق یکسانی دریافت نخواهند کرد". بدین ترتیب در واقع همه چیز در ابهام و ناروشنی بیشتری فرو رفت. وقتی حاجی بابایی عضو کمیسیون برنامه و محاسبات مجلس که ظاهراً از تخلف

و خیمتر شده است.

اما بازنشستگان که اکثریت بسیار بزرگی از آنان در زمره فقیرترین اقشار جامعه بحساب می‌آیند و پیگیرانه خواهان تحقق خواست‌های به حق خود بوده و همیشه گفته‌اند "تا حق خود نگیریم - از پا نمی‌نشینیم" به مبارزه ادامه داده و طی دو سال گذشته (۹۷ و ۹۶)، اجتماعات اعتراضی باشکوه و چند هزار نفره برپا کردند. برای نمونه در سال گذشته (۹۷) هشت بار یعنی هر دو ماه سه بار دست به تجمع و اعتراض زده اند. مجلس زیر فشار مبارزات گسترده بازنشستگان (و معلمان) طرحی را به تصویب رساند که از اول سال ۹۸، ۱۰ درصد با اضافه مبلغ ۴۰۰ هزار تومان به حقوق کارمندان و بازنشستگان اضافه شود. اگرچه کابینه روحانی قبل از آن وعده داده بود رقم ۱۰ درصد مصوبه مجلس بعداً به ۵ درصد تقلیل یافت، اما حتا این وعده نیز عملی نشد و مصوبه مجلس روی هوا ماند. در برخی استان‌ها به جای مبلغ ۴۰۰ هزار تومان فقط یک بار مبلغ ۳۲۵ هزار تومان به حساب کارمندان واریز شد، اما بلافاصله مطرح شد مصوبه مجلس باید اصلاح شود و به جای ۳۲۵ هزار تومانی که به حساب کارمندان واریز شده بود، ۴۰۰ هزار تومان از حقوق آن‌ها کسر شد!

سه ماه از آغاز سال ۹۸ سپری شده است، اما اثری از همسان‌سازی حقوق‌ها که خواست اصلی بازنشستگان و مصوبه مجلس هم هست، در میان نیست بماند، که ماجرای ۴۰۰ هزار تومان نیز تقریباً به دست فراموشی سپرده شده یا دست کم این‌که با توجه به اظهارنظرهای دست‌اندرکاران دولتی، این قضیه در پرده ابهام باقی مانده است.

واقعیت این است که عملکرد کابینه حسن

بازنشستگانی که پس از ۳۰ سال کار و زحمت اکنون باید به دور از دغدغه‌های معیشتی در آرامش زندگی کنند، قادر به تامین نیازها و مخارج اولیه زندگی نیستند و در سال‌های پایانی عمر خود نیز در استرس دائمی بسر می‌برند. افزایش مداوم و سرسام‌آور قیمت‌ها و رشد فزاینده و افسارگسیخته نرخ تورم و در نتیجه دغدغه نان و شرایط سخت و دشوار زندگی، جایی برای آرامش خاطر آن‌ها باقی نگذاشته است.

سال‌هاست که بازنشستگان برای بهبود وضعیت زندگی و تحقق مطالبات خود بویژه هم‌ترازسازی دریافتی بازنشستگان با شاغلان و افزایش مستمری ماهانه به بالای خط فقر، به عرصه فعال مبارزه روی آورده‌اند. دست کم از سال ۹۵ تاکنون هر ساله چندین بار در اشکال گوناگون از برپایی تجمعات سراسری در برابر نهادهای حکومتی گرفته تا راهپیمایی و تظاهرات خیابانی دست به اعتراض زده و خواستار رسیدگی به خواست‌های خود شده‌اند. در اثر این اعتراضات و تجمعات سراسری و پرشور بازنشستگان، کابینه روحانی وعده‌هایی به بازنشستگان داده و مجلس نیز در همین رابطه طرح‌هایی را به تصویب رسانده است. اما هر بار با افزایش رقم بسیار ناچیزی بر دریافتی‌ها، از پذیرش خواست‌های اصلی بازنشستگان از جمله خواست همسان‌سازی دریافتی بازنشستگان با شاغلان طفره رفته و آن را به بعد موکول ساخته‌اند. افزایش قطره چکانی مستمری‌ها که بسیار پایین‌تر از نرخ تورم و افزایش قیمت‌ها بوده و حتا یک سوم آن را نیز جبران نمی‌کرده است، نه فقط هیچ‌گونه بهبودی در وضعیت معیشتی مستمری‌بگیران ایجاد نکرده بلکه اوضاع اقتصادی و معیشتی آنان سال به سال بدتر و



## بازنشستگان و ضرورت ایجاد یک تشکل فراگیر و سرتاسری



همه ما در اتحاد با هم و برای ظنین افکندن فریاد حق خواهی خود و اعلام خواستهایی که سالهاست از طرف مسئولین بدون پاسخ مانده است، تجمع اعتراضی باشکوهی را برگزار خواهیم کرد. تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم!"

میزان اثربخشی مبارزات و اعتراضات بازنشستگان در گرو استمرار مبارزه و مهمتر از آن در گرو اتحاد وسیعتر، انسجام بیشتر و سازماندهی گسترده شمار بیشتری از بازنشستگان با محوریت کارگران بازنشسته و زحمتکش ترین بخش‌های بازنشستگان است. هم اکنون تشکل‌های گوناگونی در بخش‌های مختلف بازنشستگان شکل گرفته‌اند که به صورت مجزا از هم فعالیت می‌کنند. این فعالیت‌های مجزا بازتاب چندانی ندارند. وقت آن رسیده است که به این پراکندگی پایان داده شود. بازنشستگان آگاه و پیشرو سایر فعالان چپ انقلابی می‌توانند و باید برای برپایی یک تشکل واحد سرتاسری که منافع عموم بازنشستگان را نمایندگی و برای آن تلاش و مباره کند، تلاش کنند. یک چنین تشکلی قادر خواهد بود اعتراضات متعدد اما جدا جدا و پراکنده کنونی را یک کاسه و متحد سازد و با سازماندهی جمع‌ات و اعتراضات گسترده و هماهنگ سرتاسری، رژیم را در مقیاس سراسری به چالش بکشد و آن را به پذیرش خواست‌های خود وادار نماید.

موضوع دیگری که می‌تواند موجب تقویت جنبش اعتراضی بازنشستگان شود، تلاش برای جلب حمایت شاغلین و ایجاد پیوند و ارتباط مستمر و فعال با سایر جنبش‌های اعتراضی و جلب حمایت آن‌هاست. اتحاد و همکاری و هماهنگی با تشکل‌های کارگری و جنبش طبقه کارگر، تشکل‌ها و جنبش اعتراضی معلمان و جنبش دانشجویی می‌تواند در انعکاس گسترده‌تر صدای اعتراض بازنشستگان نقش بسیار مهمی ایفا کند و اردوی بازنشستگان را در برابر ارتجاع حاکم تقویت کند.

جز اتحاد و همبستگی، جز مبارزه متشکل و سازماندهی اعتراض‌های سرتاسری راه دیگری وجود ندارد.

پس پیش به سوی ایجاد تشکل واحد و فراگیر سرتاسری! پیش به سوی سازماندهی گسترده اعتراضات سرتاسری!



اینان در بهترین حالت، گاه در اطراف خواست‌های بازنشستگان فقط حرف زده‌اند، جلسه گذاشته‌اند، به فریبکاری پرداخته‌اند، وعده‌های پوچ و توخالی تحویل بازنشستگان داده‌اند و میلیون‌ها مستمری‌بگیر و بازنشسته را به نتایج این "اقدامات" حواله داده‌اند.

اما مبارزات پیگیرانه و مستمر بازنشستگان و تحریک چشمگیر آن‌ها برای دستیابی به مطالبات خود نشان داده است که آن‌ها منتظر نتایج این حرفی‌ها و جلسات بی‌نتیجه نمانده‌اند و نمی‌مانند. گروه‌های مختلف بازنشستگان در ادامه مبارزات و پیگیری خواست‌های خود، عموم بازنشستگان را به برپایی یک تجمع اعتراضی در روز سه شنبه ۲۸ خرداد در مقابل مجلس فرا خوانده‌اند.

"گروه اتحاد بازنشستگان" نیز با صدور اطلاعیه کوتاهی اعلام کرد "بندبال فراخوان گروه‌های مختلف بازنشستگان برای تجمع ۲۸ خرداد در مقابل مجلس، گروه اتحاد بازنشستگان نیز همگام و متحد، آمادگی خود را برای شرکت در این تجمع اعلام می‌دارد". در این اطلاعیه از حق بازنشستگان برای تجمع، تحصن و تشکل مستقل نیز دفاع به عمل آمده و تاکید شده است "تا رسیدن به مطالبات بر حقمان اعتراضات همچنان ادامه دارد".

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه نیز با صدور اطلاعیه‌ای از مطالبات و مبارزات بازنشستگان حمایت نموده است. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در این اطلاعیه نوشت "به باور ما داشتن یک زندگی متعارف براساس استانداردهای جهانی در راستای یک زندگی شایسته برای تمام افراد در ایران امکان‌پذیر است. پس متحدانه از مطالبات بازنشستگان با شعار؛ نان، کار، آزادی - حق مسلم ماست" به دفاع برخیزیم." گروه‌های دیگری از کارگران و تشکل‌های فعالان کارگری و "کمپین حمایت از بازنشستگان" نیز از این فراخوان حمایت کرده‌اند.

بازنشستگان کشوری، لشکری و تامین اجتماعی روز ۲۸ خرداد بار دیگر متحد و یکپارچه با شعارها و پلاکاردها و خواست‌های خود وارد خیابان می‌شوند. اجرای هرچه سریع‌تر همسان‌سازی حقوق‌ها، بیمه کامل و رایگان درمان در راس مطالبات بازنشستگان است. "نان، کار، آزادی - حق مسلم ماست"، "معیشت، امنیت، سلامت، حق مسلم ماست"، "تشکل مستقل حق مسلم ماست" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" آذین بخش پلاکاردها و شعار نوشته‌ها خواهد بود. اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری که سال ۸۶ به تصویب رسیده است، پرداخت بدهی‌های دولت به صندوق تامین اجتماعی و سایر صندوق‌های بازنشستگان، از دیگر مطالبات بازنشستگان است. روز ۲۸ خرداد، بازنشستگان متحد و یکپارچه با شعارهایی چون، "ظلم و ستم کافیه - سفره ما خالیه" و شعار کوبنده "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم" به مصاف ارتجاع حاکم خواهند رفت و انطور که گروه اتحاد بازنشستگان اعلام کرد "

دولت در اجرای مصوبه مجلس نیز انتقاد می‌کند، در گفتگو با تسنیم از ملاقات خود با محمد باقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه و توافق برای این‌که به منظور رسیدگی به نحوه افزایش مستمری بازنشستگان جلساتی برگزار شود خبر داد و اطلاع داد که قرار است نحوه اجرای قانون مصوب مجلس در افزایش حقوق بازنشستگان اصلاح شود، او در واقع یک بار دیگر همدستی مجلس و کابینه در سر دواندن بازنشستگان و فریب و حق‌کشی در حق کارمندان شاغل و بازنشستگان را به نمایش گذاشت. او گفت نوبخت موافقت کرده است ظرف یک هفته جلسه‌ای با رئیس سازمان امور استخدامی داشته باشیم "تا نقطه نظرات آن‌ها را در باره اصلاح روند اجرای قانون دریافت کنیم!"

مرتجعین و نهادهای رنگارنگ حکومتی اعم از کابینه یا مجلس ارتجاع که زمان اوج‌گیری مبارزات بازنشستگان با وعده و وعید سعی کردند میلیون‌ها انسان گرسنه ناراضی و معترض



را آرام کنند، پای مصوبه ای رفتند که می‌دانستند نمی‌خواهند آن را اجرا کنند و در هر حال بر این خیال بودند و هستند که به هدف خویش نائل گشته‌اند و بازنشستگان را از کف خیابان به خانه‌ها بازگردانده‌اند. آن‌ها نه تنها حتی یک گام عملی کوچک به سود بازنشستگان برنداشته‌اند، بلکه کماکان بر این پندارند که با جلسه و حرفی‌های بی‌مقدار در کابینه و پرگوخانه‌ای به نام مجلس و امثال آن می‌توانند صورت مساله را پاک و بازنشستگان را از اعتراض بازدارند.

رژیم ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی که هر ساله صدها هزار میلیارد تومان را در سوریه و لبنان و یمن و عراق صرف سیاست‌های پان اسلامیتی خود می‌کند و هزاران میلیارد تومان دیگر را به جیب آخوندهای مرتجع و حلقوم نهادهای گوناگون مذهبی تحمیق معنوی توده‌های مردم می‌ریزد، اما به بهانه ناتوانی مالی و کسری بودجه، از پذیرش خواست‌های بازنشستگان و خواست محوری آن‌ها همسان‌سازی و افزایش حقوق خودداری نموده است. کابینه روحانی دست در دست مجلس ارتجاع نه فقط یک گام عملی برای تحقق خواست‌های میلیون‌ها مستمری‌بگیر و بازنشسته برنداشته‌اند، بلکه عملاً آنان را به فقر و گرسنگی بیشتری سوق داده‌اند.

## چالش کنونی زنان علیه حجاب اجباری

گونگون و با مبارزات خستگی ناپذیرشان این سیاست قرون وسطایی جمهوری اسلامی را به چالش گرفته اند. مبارزه و چالشی که طی تمامی این سال ها روندی رو به رشد داشته و بر بستر ظرفیت مبارزاتی زنان، شرایط جامعه و موقعیت سیاسی رژیم، تاکنون اشکال و شیوه های گوناگونی به خود گرفته است.

چالش زنان علیه پوشش اجباری اگرچه هرگز محدود به دایره بسته روز و ماه و سال نبوده، اما این چالش هر ساله در ایام تابستان شکل آشکارتری به خود گرفته است. چالشی که در سوی دیگر آن، با فعال شدن مجموعه دستگاه های پلیسی و قضایی رژیم در اعمال فشار بیشتر بر زنان و تشدید سرکوب آنان رقم خورده است.

نگاهی گذرا به سخنرانی ها و موضع گیری های سرکردگان جمهوری اسلامی طی همین چند هفته ای که هوا رو به گرمی رفته است، به روشنی نشان می دهد که تا چه اندازه دستورالعمل های آنان به سمت تهدید، رجز خوانی و تشدید فشار علیه زنان پیش رفته است. اعلام تشکیل ۲ هزار "گروه مقاومت تذکر لسانی و عملی در گیلان" توسط نیروهای بسیج، تهیه و سازماندهی "نرم افزار ناظر ۱ و ۲ به منظور رصد خودروها و مکان های عمومی در راستای کشف حجاب" و چشم انداز تهیه "نرم افزار ناظر ۳ برای اشخاص در خیابان ها" و اعلام اینکه "مسئله عفاف و حجاب یک مسئله عادی نیست، بلکه یک موضوع سیاسی و امنیتی برای کشور است"، خود گویای روشنی از این واقعیت است که طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار آن تا چه حد از بی توجهی زنان به فرامین امنیتی نیروهای سرکوب در مورد عدم رعایت "پوشش اسلامی" خشمگین اند. پوشیده نیست که خشم و استیصال شان نیز تماما ناشی از شکست و ناکامی ۴۰ ساله آنان در تحمیل پوشش اجباری به زنان است. زنان مبارز و قهرمانی که به رغم تشدید سرکوب و اعمال تمامی فشارهای امنیتی و قضایی بر آنان، همچنان بیش از پیش به مقابله با پوشش اسلامی مورد نظر حاکمیت برخاسته اند.

از میان مجموعه اتفاقات مربوط به مبارزه زنان علیه حجاب اجباری که این روزها در درون جامعه رخ داده است، ماجرای راننده تاکسی اینترنتی اسنپ در پیاده کردن یک زن مسافر به دلیل پوشش "نامناسب" و دیگری تشکیل پرونده قضایی برای سرنشینان یک قایق سواری در دریاچه "لفور" مازندران، از کنش ها و واکنش های اجتماعی بیشتری در جامعه بر خوردار بوده اند. در ماجرای نخست، یک راننده اسنپ در قالب "امر به معروف و نهی از منکر" پس از تذکر به زن مسافر در مورد رعایت حجاب اسلامی و بی توجهی مسافر به فرامین او، راننده، با برخوردی تحقیر آمیز مسافر مورد نظر را در وسط اتوبان از ماشین پیاده کرده است. مسافر زن نیز در اقدامی شجاعانه با گذاشتن عکس و مشخصات کامل راننده متعرض در اینستاگرام خود، ماجرا را از یک اقدام شخصی خارج و آن را به یک امر عمومی و اجتماعی در جامعه تبدیل کرد. با این اقدام

تحسین برانگیز مسافر زن، راننده اسنپ بلافاصله در شبکه های مجازی شناسایی و معلوم شد که او (سعید عابد) یک بسیجی مزدور رژیم است. چند روز بعدتر، عکس دیگری هم از این راننده مزدور در شبکه های اجتماعی پخش شد که بسیار فراتر از موقعیت بسیجی بودن او بود. عکس جدید، سعید عابد را در صف نمازگزاران عید فطر امسال در مصلاهی تهران نشان می داد که پشت سر قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس و غیب پرور، فرمانده بسیج نشسته است. تصویری که روزنامه نگار منتشر کننده این عکس با طرح این پرسش که "سعید عابد واقعا کیست؟" ابعاد تازه ای از ماجرای راننده اسنپ را در معرض دید عموم گذاشت.

اقدام دوم، انتشار تصاویری از پنج زن و مرد جوان در شبکه های اجتماعی بود که در حال قایق سواری در دریاچه سد "لفور" بودند. در این تصاویر، سه مرد جوان بدون پیراهن و دو زن جوان بدون روسری نشان داده می شوند که در حال تفریح و قایق سواری در دریاچه "لفور" در استان مازندران هستند. انتشار این تصاویر به ظاهر "هنجارشکن" در شبکه های مجازی آنچنان خشم دستگاه های امنیتی، پلیسی و قضایی جمهوری اسلامی را برانگیخت که در کوتاه مدتی قایق های گردشگران در سد لفور توقیف و چند نفر از سرنشینان قایق مورد نظر نیز دستگیر که با تشکیل پرونده قضایی راهی زندان شدند. علاوه بر دستگیری سرنشینان قایق، انتشار دهندگان تصاویر آنان در شبکه های مجازی نیز به شدت توسط دادستان با تهدید و بازداشت مواجه شدند.

پس از انتشار این عکس ها، مجموعه ای از مقامات قضایی، سیاسی و امامان جمعه از برخورد ویژه با "بی حجابی" و "هنجارشکنی" خبر دادند. دادستان مازندران اعلام کرد: انتشار این تصاویر در شبکه های اجتماعی جرم محسوب می شود و از دستگیری دست کم سه تن از "عوامل ناهنجاری" در سد لفور خبر داد. خیرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران نوشت: "همزمان با روز عید سعید فطر در اتفاق عجیب در سد لفور، برخی این منطقه را با سواحل آنتالیا اشتباه گرفته و با پوششی عجیب و بسیار زننده مقابل چشم همگان با قایق به تفریح پرداختند". علی مطهری، نایب رئیس پیشین مجلس ارتجاع نیز رفتار جوانان را "قانون شکنی" خواند و خواهان برخورد قضایی با آنان شد. ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه با دستورالعملی حمایتی از سعید عابد، راننده مزدور اسنپ اعلام کرد: دستگاه های انتظامی و قضایی نیز به موجب شرع و قانون، موظفند از آمران به معروف و ناهیان منکر حمایت کنند". اقدام بی نظیر و شجاعانه زن مسافر در افشای چهره راننده اسنپ به عنوان فردی مزدور و اطلاعاتی، مستننا از آزار و اذیتی که مسئولان

حکومتی برای او و خانواده اش ایجاد کردند، خصوصا اقدام دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی رژیم که با کشاندن ماجرا به تلویزیون و تصویر برداری از زن مسافر و خانواده اش در دالان های امنیتی، شرایط روحی ناگواری را برایشان بوجود آوردند، در متن جامعه اما، این اقدام زن جوان در گستره ای وسیع مورد تأیید، تمجید و حمایت گروه های اجتماعی و شبکه های مجازی قرار گرفت. در کنار این اقدام شجاعانه زن مسافر تاکسی اینترنتی اسنپ، انتشار تصاویر بدون حجاب سرنشینان قایق تفریحی در دریاچه لفور نیز واکنش های شورانگیزی را در میان لایه های مختلف جامعه برانگیخت. ناگفته نماند که شور و شرف برخاسته از اینگونه اقدامات زنان و مردان جامعه در مقابله با پوشش اجباری، حرکتی در راستای همان اقدامات جسورانه دختران "خیابان انقلاب" است. اقداماتی شجاعانه در مسیر ارتقاء مبارزه ای علنی برای نفی کامل حجاب اسلامی. مبارزه ای که از دیماه ۹۶ توسط تعدادی از زنان شجاع و مبارز با برداشتن روسری و ایستادن بر سکوی میدان انقلاب کلید خورد و از آن زمان تا به امروز به اشکال مختلف و در گستره ای وسیعتر پوشش اسلامی مورد نظر جمهوری اسلامی را به چالش گرفته اند.

در واقع، آنچه اکنون در متن جامعه جریان دارد، بسیار فراتر از جد و جهد سال های پیشین زنان علیه حجاب اجباری است. اگر در دهه های گذشته، مبارزه زنان علیه پوشش اسلامی به صورت "کم حجابی"، "شل حجابی"، پوشیدن مانتو های کوتاه، مانتوهای جلو باز و یا انداختن یک شال رنگی بر سرشان تجلی یافته بود، اکنون این مبارزه در اشکالی جدی تر تا حد "کشف حجاب" در میان لایه هایی از دختران و زنان جامعه ارتقا یافته است. "کشف حجاب" و امتناع از گذاشتن شال و روسری، آنهم نه به صورت "یواشکی" و در مکان های خلوت، بلکه در اماکن عمومی، خیابان ها و متروها که بعضا با خواندن شعر و سرود و ترانه نیز همراه شده است.

پوشیده نیست که تمامی خشم و استیصال نیروهای سرکوب و مجموعه سیستم پلیسی، امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی که این روزها با شدت بیشتری در سازماندهی گله های حزب الهی با عنوان "امران به معروف و ناهیان منکر" جهت اعمال فشار بیشتر به زنان تجلی یافته است، نه در امر "کم حجابی" بلکه، دقیقاً در انتخاب اشکال مبارزاتی رو به جلوی زنان برای نفی کامل حجاب اسلامی است. چالشی که دختران و زنان جامعه ما بی توجه به دستورالعمل های سرکوبگرانه مقامات پلیسی و قضایی در مسیر جدید مبارزه با حجاب اجباری خیز برداشته اند. این همان نکته ای است که ملکزاده، جانشین معاون حقوقی و امور مجلس ناجا با اعلام اینکه: "امروز نیروی انتظامی نه با بد حجابی بلکه با بی حجابی برخورد می کند"، به صراحت بر آن صحنه گذاشته است.

**ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد**

## قتل علیرضا شیرمحمد علی، جنایت سازمان یافته‌ای دیگر

به "اتهاماتی" چون "توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی"، "توهین به رهبری"، "توهین به مقدسات" و "تبلیغ علیه نظام" به ۸ سال زندان محکوم شده بود. گویا این دو زندانی خطرناک در سلولی دربسته نگهداری می‌شدند، اما شب دوشنبه در زمان ورود افسر نگهبان این درب باز گذاشته شده و این دو زندانی در اقدامی ناگهانی و بدون درگیری قبلی با خروج از سلول، علیرضا را به داخل سلول کشانده و پس از قتل کردن درب با وارد کردن حدود چهل ضربه مهلک او را به قتل می‌رسانند.

علیرضا شیرمحمدعلی به همراه یک زندانی دیگر به نام برزان محمدی از اسفند ۹۷ در اعتراض به اجرا نشدن اصل تفکیک جرایم، شرایط نامناسب نگهداری در این زندان و مخالفت با طرح درخواست انتقال به زندان اوین، دست به اعتصاب غذا زده بودند. در فروردین ۹۸ پس از ۳۴ روز اعتصاب غذا، سرانجام، علیرضا با وعده مسئولان مبنی بر انتقال از زندان فشارفویه به اعتصاب غذای خود پایان داده بود. وی درباره این اعتصاب غذا نوشته بود: "ما به دلیل نبود امکانات و نداشتن امنیت جانی در سوئیت، اعتصاب غذا کرده‌ایم تا با این روش به بودن خود در اینجا اعتراض کرده باشیم؛ ولی سلامت جان ما هیچ اهمیتی برای عوامل زندان و روسای آن ندارد؛ حتی روز گذشته "رضا حق وردی" افسر نگهبان شیفت، خیلی صریح به ما گفت که انتهای این اعتصاب صدور گواهی فوت است." اگر وعده مسئولان در مورد انتقال هیچ‌گاه عملی نشد، اما تهدید افسر نگهبان بسیار زود به تحقق پیوست. علیرضا به قتل رسید چرا که معتقد بود: "ما به خاطر حق‌خواهی در این زندان محبوس شده‌ایم و از نظر مالی کیلومترها زیر خط فقر قرار داریم. از تمامی زوایا به ما ظلم شده و این از بی‌کسی‌مان است. اما با این همه ظلم و فشار از سوی ظالم هنوز ظلم‌پذیر نشده‌ایم."

یکی از شیوه‌های مرسوم شکنجه جسمی و روانی زندانیان سیاسی، به ویژه در دهه‌های اخیر، دقیقاً عدم تفکیک زندانیان بر اساس "نوع محکومیت" است. نخست آن که، دستگاه‌های پلیسی - امنیتی رژیم، کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، جوانان و هر معترض حق‌طلبی را به اتهام‌های موهوم و مبهم "امنیتی"، "جاسوسی"، "ارتباط با خارج"، "ارتداد"، "تروریستی" و چرندیاتی از این قبیل دستگیر و محاکمه می‌کند. از همین‌رو، نیز سران رژیم اصولاً منکر وجود "زندانی سیاسی" در ایران هستند. دوم آن که، نگهداری عمدانه‌ی زندانیان سیاسی در کنار زندانیان منم به جرائم خشن، از تاکتیک‌های رژیم در فشار بر زندانیان سیاسی بوده و هست. با این ترفند، مسئولان قضایی و زندانبانان، از سویی با پراکندن زندانیان سیاسی در میان زندانیان عادی از همبستگی و اعتراض جمعی آنان جلوگیری می‌کنند؛ اعتراضاتی که در زندان‌های دهه شصت مکرراً از سوی زندانیان سیاسی به وقوع می‌پیوستند. از سویی دیگر، همراه با شکنجه جسمی و روحی، آنان را در هراسی دائمی نگاه می‌دارند تا مقاومت‌شان را در

هم شکنند، و در صورت لزوم نیز آنان را به دست زندانیان دیگر مصدوم کنند یا به قتل برسانند.

پس از این قتل‌ها نیز، در صورت فشار خانواده یا افکار عمومی، تمامی تقصیرها به گردن قاتل "شرور" انداخته می‌شود و اوست که در نهایت محاکمه می‌شود و زندانبانان یا قاتلان اصلی، بی‌محاکمه از زیر پاسخگویی شانه خالی می‌کنند. چنان‌که تاکنون نیز مسئولین زندان فشارفویه هیچ واکنشی در برابر این جنایت نشان نداده‌اند. اما بدون واکنش آنان، نیز همه می‌دانند که مجرمان عادی هیچ یک بدون اجازه و تأیید مقامات زندان، دست به چنین جنایاتی نمی‌زنند. یکی از سران سپاه درباره اعتراضات سال ۸۸ گفته بود: "در حوادث ۸۸ ارادل و اوپاش را برای سرکوب مردم سازماندهی کردم." به گواهی گزارش‌های متعدد زندانیان سیاسی آزاد شده از زندان‌های رژیم، سیستم قضایی و زندانبانان رژیم در زندان‌ها نیز همین روش را به کار می‌گیرند، یعنی به‌کارگیری خطرناک‌ترین اوپاش‌ها و لات‌های زندان برای اجرای اوامر و برقراری نظم مطلوب‌شان در زندان. "وکیل بند" که رابط میان زندانیان با زندانبانان است، معمولاً از زندانیان باسابقه و دارای محکومیت طولانی است. این فرد نیز از میان ارادل و اوپاش چاقوکش، چند نفر را به عنوان انتظامات انتخاب می‌کند تا "سرکشان و نافرمانان" را از سر راه بردارند، به ویژه زندانیان سیاسی معترض به شرایط وحشتناک و غیرانسانی زندان را که به خود جرأت می‌دهند، اعتصاب غذا کنند. بیهوده نیست که افسر نگهبان زندان به علیرضا گفته بود: "انتهای این اعتصاب صدور گواهی فوت است."

گزارش‌های متعددی از وجود گسترده سلاح‌های سرد، قتل‌های سازمان‌یافته در زندان‌ها وجود دارد. برای نمونه در زندان رجایی‌شهر، برخی از سالن‌ها با چینی‌تعمدی تبدیل به تبعیدگاهی مرگبار برای تسویه حساب و مجازات زندانیان سرکش شده است. "سالن شماره ۹ اندرگاه ۳" زندان رجایی شهر به "رینگ خوین" شهره دارد. به گفته شاهدان، این بند شاهد بیش‌ترین نزاع‌ها و قتل‌های درون زندان است. گاهی در درگیری‌های گروهی با نقش‌آفرینی رئیس زندان ۱۰ تا ۱۵ نفر زخمی می‌شوند و در بسیاری از موارد نیز فردی کشته می‌شود.

یکی دیگر از دلایل اعتصاب غذای علیرضا شیرمحمدعلی، برزان محمدی و صدها زندانی سیاسی دیگر طی سالیان متمادی، به جز اعتراض به عدم تفکیک زندانیان بر اساس جرائم، اعتراض به وضعیت وحشتناک زندان فشارفویه بود. زندان فشارفویه با نام رسمی "ندانگاه مرکزی تهران بزرگ" واقع در جنوب تهران در سال ۹۴ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این زندان که با هدف "اردوگاهی برای کوچ محکومان مواد مخدر" ساخته شد، اکنون محکومان زندان‌های تهران اعم از مجرمان مواد مخدر، مجرمان اقتصادی و متهمان سیاسی را در خود جای داده است. با آن که هزینه ساخت این زندان ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیارد تومان بوده است، اما

از کوچک‌ترین امکانات زندگی بی‌بهره است. وضعیت این زندان به اندازه‌ای وخیم است که مدت کوتاهی پس از بهره‌برداری، موضوع خبرها شد. چنان که مسئولین زندان حتی به برخی مقامات رژیم هم اجازه بازدید نمی‌دهند.

این زندان نه تنها فاقد آب آشامیدنی سالم است، بلکه وضعیت تهویه و سرویس‌های بهداشتی اسفبار است. تعداد زندانیان در بندهای این زندان موسوم به "قرنطینه" چندان زیاد است که همیشه عده‌ای ناچارند روی زمین یا زیر تخت بخوابند. امری که منحصراً به فشارفویه نیست. رئیس سازمان زندان‌ها در اردیبهشت ماه امسال گفته بود، ۵ / ۲ برابر ظرفیت زندان‌ها، "زندانی" داریم، آن هم پس از "عفو" ۱۷۰ هزار نفر در سال گذشته، چرا که پیش از آن، تعداد زندانیان ۵ / ۳ برابر ظرفیت زندان‌ها بود. گزارشات متعدد زندانیان زندان‌های مختلف نیز پدیده "کف‌خوابی" را تأیید می‌کنند. به ویژه آن که زندانیان می‌گویند هر بار پس از اعتراضات، با افزوده شدن دستگیرشدگان، وضعیت به حدی وخیم می‌گردد که عده‌ای ناچارند ایستاده بخوابند. گزارش‌ها درباره عدم دسترسی زندانیان به خدمات درمانی و بهداشتی در همه زندان‌ها فراوان‌اند. وجود شپش و ساس و سوسک و موش و انواع بیماری‌های مسری، حتی هپاتیت و ایدز، در زندان‌ها امری شایع است. زندانیان سیاسی رجایی شهر چندی پیش اعلام کرده بودند: "شرایط زندان باعث بروز آسیب‌ها و بیماری‌های گوناگون و مرگ تدریجی زندانیان می‌شود." گزارش‌های بسیاری نیز در مورد "عدم رسیدگی و بی‌تفاوتی مسئولان بهداشتی و زندان" در مورد زندانیان بیمار وجود دارد.

غذای اندک زندانیان در این زندان، از کیفیت بسیار پایینی برخوردار است. امری که در زندان‌های دیگر نیز به چشم می‌خورد. چرا که به اعتراف رئیس سازمان زندان‌ها در دی ۹۶: "در بودجه پیشنهادی دولت برای سه وعده غذای زندانیان ۵۴۰۰ تومان پیش‌بینی شده که به دلیل افزایش قیمت مواد غذایی، سازمان زندان‌ها با این مبلغ نمی‌تواند سه وعده غذای مناسب برای زندانیان تهیه کند." با توجه به تورم سرسام‌آور کنونی نسبت به سال ۹۶ می‌توان کیفیت غذای زندانیان در سال ۹۸ را حدس زد. در نتیجه زندانیان ناچارند برخی از مواد غذایی مورد نیاز خود را از فروشگاه‌های زندان‌ها تهیه کنند. فروشگاه‌هایی که بنا به گزارشات، با فروش مواد غذایی تاریخ مصرف گذشته به چندین برابر قیمت بیرون از زندان به محل کسب و کار پررونی برای زندانبانان و نوچه‌های‌شان تبدیل شده است.

محسن اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه، در یکی از مصاحبه‌هایش مدعی شد: هیچ زندانی نسبت به زندانی دیگر در برابر قانون ارجحیت ندارد. دروغی بی‌شماره مانند تمام ادعاهای سران جمهوری اسلامی. توصیف مختصر فوق، شرایط ده‌ها هزار زندانی عادی و صدها زندانی سیاسی است. اما در زندان اختلاس‌گران و مفسدان اقتصادی و سرمایه‌داران و وابستگان سران رژیم هم هستند که بر اثر تسویه حساب‌های سیاسی و جناحی به زندان افتاده‌اند. آنان که در بیرون از زندان، سال‌ها با زدوبند و پیوند با ساختار قدرت،

## قتل علیرضا شیرمحمدعلی، جنایت سازمان‌یافته‌ای دیگر

میلیون‌ها و میلیاردها تومان از ثروت و دسترنج توده‌های مردم را به غارت برده‌اند، و اکنون در زندان نیز از امکانات خاصی برخوردارند. گزارشی در سایت حکومتی تابناک از "عده‌ای" می‌گوید که "حتی بریز و بپاش می‌کنند، خوب می‌خورند، عالی می‌پوشند، خوب انعام می‌دهند، حتی خوب با پول، آدم می‌خرند." از سه طلافروشی می‌گوید که کارشان جعل سکه و دلار بوده است و یک رئیس بانک متخلف که "دو خدمتکار دارند که حتی برایشان آشپزی می‌کنند." یا در گزارش دیگری از اختلاس‌گرانی گفته می‌شود که از "اتاق مجزا و چندین خدمه و سرویس بهداشتی و حمام مجزا و امکانات خاص در اتاق شخصی‌شان" برخوردارند. حتا ماهی چند بار در "فضایی کاملا خصوصی" با زنان صیغه‌ای "ملاقات خصوصی" دارند. یا از وجود سالن زیبایی، سالن بدن‌سازی، کتابخانه و رستوران، در بندهای چهار و هفت زندان اوین که ویژه زندانیان "ثروتمند"ی است که "اغلب به دلیل جرایم مالی محکوم شده‌اند" و با پول خود امکاناتی نظیر فرش، پرده، تلویزیون، تهویه مطبوع، وسایل آشپزخانه و... فراهم کرده‌اند. البته به بودجه زندان و زندانبانان هم "کمک مالی" می‌کنند!

به جز گزارش‌های متعدد درباره فساد مالی مقامات زندان و اختلاس از بودجه زندان‌ها، از دیگر جنبه‌های زندان‌های ایران وجود مافیای مواد مخدر و تجارت جنسی است. مافیایی که با همدستی مسئولان زندان‌ها و زندانبان‌ها با فراغ بال مشغول داد و ستد مواد مخدر و سلاح در زندان هستند یا با پولشویی در زندان اوین، "پول‌های کثیف" را وارد دادوستدهای پشت پرده می‌کنند.

این است وضعیت زندان‌های جمهوری اسلامی از سویی همان فساد و روابط قدرت و سلطه اشرار و قمع‌کش‌ها و زندانبانان جانی رژیم و از سویی دیگر ده‌ها هزار زندانی عادی که اکثریت آنان قربانی فجایعی هستند که این رژیم به بار آورده است؛ فجایعی همچون فقر، بیکاری، اعتیاد که کارشان را به زندان کشانده است.

در سویی معدودی اختلاس‌گر و دزد و آقازاده و مأمور سابق رژیم که در دوران کوتاه حبس هم به زندگی اشرافی خود ادامه می‌دهند، در سوی دیگر صدها زندانی سیاسی محکوم به حبس‌های طولانی مدت که تنها "جرم" آنان حق‌خواهی و اعتراض به فقر و فلاکتی است که این رژیم بر توده مردم ایران تحمیل کرده است.

در زندان رژیم جمهوری اسلامی، همچون بیرون از زندان، جنایتکاران شرور، قمع‌کشان و قدارمندان و چاقوکشان در پاسداری از نظم زندان و منافع مالی دزدان و غارت‌گران، به قتل و شکنجه زندانیانی مشغولند که حتا زندان و شکنجه هم آنان را به تسلیم واداشته است. زندانیان سیاسی‌ای چون علیرضا شیرمحمدعلی، ۲۱ ساله، که به دست عوامل قمع‌کش وابسته به زندانبانان به قتل رسید؛ سینا قنبری، ۲۲ ساله، که در بازداشتگاه به دست مأموران رژیم به قتل رسید و بعدها مقامات رژیم مدعی شدند معتاد

## اطلاعیه مشترک در حمایت از فراخوان به تجمع بازنشستگان در مقابل مجلس روز ۲۸ خرداد ماه

گروه‌های مختلف بازنشستگان در ادامه مبارزات‌شان، ساعت ۱۰ صبح ۲۸ خرداد فراخوان تجمع در مقابل مجلس را داده‌اند. "گروه اتحاد بازنشستگان" در اطلاعیه‌ای تحت عنوان "تا رسیدن به مطالبات برحق‌مان اعتراضات همچنان ادامه دارد!" از این تجمع با شعار "تجمع، تحصن، تشکل مستقل، حق مسلم ماست!" حمایت کرده است. همچنین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در اطلاعیه حمایتی‌اش از این تجمع، عنوان کرده که دفاع از مطالبات به‌حق بازنشستگان وظیفه تمام کسانی است که برای داشتن زندگی شایسته تلاش می‌کنند. داشتن یک زندگی متعارف بر اساس استانداردهای جهانی در راستای یک زندگی شایسته برای تمام افراد در ایران امکان‌پذیر است، پس متحدانه از مطالبات بازنشستگان با شعار "نان، کار، آزادی، حق مسلم ماست!" به دفاع برخیزیم.

فراخوان این تحصن برای مطالباتی است که بازنشستگان در سراسر کشور بارها در حرکت‌های اعتراضی خود مطرح کرده‌اند. فعالین این حرکت در فراخوان تجمع‌های قبلی به روشنی رو به همه بازنشستگان در سراسر کشور گوشه‌ای از وضعیت بازنشستگان را این‌گونه توصیف کرده بودند: "همانطور که خود شما با تمام وجود رنج‌های دوران اشتغال را لمس کردید، هر روز به امید فردایی بهتر واقعیات و امیدهای زندگی شما، به تخیل پیوست. گمان می‌رود که خدایان ثروت و قدرت دست از فریب ما برنمی‌دارند و برآنند که با مستمری بخورونمیر ما، خواب‌ها و رویای امپراتوری خویش را به واقعیت برسانند، و ما همچنان دست نیازمان به سوی دامن بخشنده‌ی آنان دراز باشد. آنچه ما در طول سال‌های خدمت تجربه کرده‌ایم، این است که حق و قانون بازیچه‌ی دست مسئولین بی‌درد و مرفه است، حال گریز از این سرنوشتی که خدایان ثروت و قدرت برای ما رقم زده‌اند به همت والای شما بستگی قطعی پیدا کرده است!"

این همت و عزم بار دیگر در صحنه است و شایسته و وسیع‌ترین حمایت‌ها! بازنشستگان جزو بی‌حقوق‌ترین اقشار جامعه هستند و زندگی و معیشت‌شان با حقوقی چند برابر زیر خط فقر به سختی می‌گذرد و مبارزات شکوهمند آن‌ها بخشی از مبارزات حق‌طلبانه‌ای است که از طرف کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و سایر جنبش‌های آزادیخواه در جامعه بحرانی ایران در جریان است.

ما ضمن حمایت بی‌دریغ از مبارزات بازنشستگان و حمایت از فراخوان ۲۸ خرداد آن‌ها در مقابل مجلس، همه فعالین جنبش‌های اجتماعی را فرا می‌خوانیم که پژواک صدای حق‌طلبانه بازنشستگان را با حمایت و پشتیبانی خود رسانند.

### زنده باد مبارزات حق‌طلبانه بازنشستگان

### مستحکم باد پیوند مبارزاتی بازنشستگان با دیگر جنبش‌های اجتماعی در ایران

### زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

### سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

۲۴ خرداد ۱۳۹۸ برابر با ۱۴ ژوئن ۲۰۱۹

**امضاها:** اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی از چهار دهه پیش تاکنون است. این قمع‌کش‌ها و چاقوکش‌های زندان فشافویه نبودند که علیرضا را به قتل رسانند، بلکه دستگاه قضایی و مسئولان و زندانبانان رژیم وی را به قتل رسانند. چرا که مسئولیت جان زندانیان در زندان‌ها برعهده مسئولان زندان و قوه قضائیه است؛ چرا که این دو زندانی بزحاکار به دستور زندانبانان، علیرضا شیرمحمدعلی را کشتند تا صدای معترض دیگری را خفه کنند. اما بیهوده، چرا که بسیاری با علیرضا هم‌صدا بودند که: "شاید زندان ما را خسته کرده باشد ولی تسلیم نشده‌ایم. تنها چیزی که به ما امیدواری می‌دهد این است که مطمئنیم روزی آرمانی که بخاطرش در بند شده‌ایم تحقق پیدا خواهد کرد. مرگ را ترجیح می‌دهیم زیرا زندگی در این لجن‌زار در شأن‌مان نیست."

بوده و خودکشی کرده است؛ ستار بهشتی کارگر و ویلاگونیس که ادعا شد با به "مرگ طبیعی" درگذشته یا بر اثر "ضربه و فشار روحی"، چرا که ضربه، مهلک نبوده است! و ده‌ها زندانی سیاسی دیگر.

زندان‌های جمهوری اسلامی آینه‌ایست از جامعه کنونی ایران، کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، جوانانی که به جرم حقیقی به حبس‌های طولانی مدت در بدترین شرایط زیستی و جسمی و روانی محکوم شده‌اند و معدودی دزد و غارتگر که در رفاه زندگی می‌کنند و به مدد اوباش و چاقوکشان می‌کوشند سکوت گورستان را بر زندان‌ها حاکم کنند. تلاشی که از همان روزهای اولیه به قدرت رسیدن این جنایتکاران ناکام مانده است. ضرب و شتم و قتل زندانیان سیاسی ادامه سرکوب و کشتار سیستماتیک در

## جنايات سرمايه‌داران در گرماي ۵۰ درجه

مجلس اسلامی در گفتگو با خبرنگار ایسنا گفت: "زمانی که دمای هوا در استان به حد خاصی می‌رسد، طبق شاخص‌های دانشگاه علوم پزشکی باید توسط ستاد مدیریت بحران استان هشدارهای لازم داده شود. اگر کارگران را در شرایط دمای بسیار بالا ملزم به ادامه فعالیت می‌کنند، باید مسئولیت وقوع هر پیشامدی را برای کارگران عهده‌دار شوند. ستاد مدیریت بحران به ریاست استاندار و بر اساس گزارشات دانشگاه علوم پزشکی اطلاعیه و هشدارهایی صادر می‌کند و مسئول کلی ستاد مدیریت بحران استاندار است که تصمیمات ستاد مدیریت بحران را نهایی می‌کند. دیگر زمان آن فرا رسیده است که در خوزستان در شرایط دمای بسیار بالای هوا الزاماتی برای کارفرمایان و سایر مجموعه‌ها برای توقف در فعالیت کارگران و کارکنان برقرار باشد تا از بروز وقایع این چنینی و مرگ کارگران بر اثر گرمزدگی جلوگیری شود."

وی در حالی توپ را به زمین "ستاد مدیریت بحران استانداری" می‌اندازد که این ستاد خود را در این زمینه مسئول ندانسته و ارگان‌های دیگر را مسئول این ماجرا

اما ناصر ضیغمی "معاون فنی مرکز بهداشت چیز دیگری می‌گوید. وی می‌گوید: "ما تصمیم‌گیرنده نیستیم و این مساله از اختیارات ستاد بحران استان است و فقط در زمانی که طرف مشورت قرار بگیریم، پاسخ می‌دهیم". وی ضمن بی‌اطلاعی از آمار کارگرانی که در تابستان دچار گرمزدگی می‌شوند، گفت: "سلامت و صیانت از کارگران از وظایف اداره کار است!!"

محمودپور "مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان نیز مانند دیگران توپ را به زمین دیگر ارگان‌های حکومتی می‌اندازد. وی می‌گوید: "ما حتا در شرایط گرد و غبار دستورالعمل و قانونی نداریم که کارگاه‌های خصوصی را مجبور به تعطیلی و یا کاهش ساعت کاری کارگران کند. قانون کار تنها مشاغل سخت و زیان‌آور را پیش‌بینی کرده که برای آن‌ها ۳۶ ساعت کار در نظر گرفته است و در خوزستان نیز برخی مشاغل را در این دسته قرار داده‌ایم. تصویب راهکار و تغییر در شرایط کار کارگران در مناطق گرمسیر نیازمند ورود نمایندگان مجلس به این موضوع و بررسی کارشناسی است. تغییر و یا کاهش ساعت

**کاهش ساعات کار، تغییر ساعات کار در ساعاتی که "پیک گرما بالا است"، کاهش سن و سابقه کار برای بازنشستگی، در اختیار قرار دادن امکانات و لوازم مورد نیاز، از جمله نوشیدنی‌هایی که مانع گرمزدگی می‌شوند و دادن استراحت کافی در بین ساعات کار همگی از جمله روش‌هایی هستند که می‌توانند شرایط کاری را برای کارگرانی که در گرمای بالا کار می‌کنند بهتر سازد، اما جمهوری اسلامی که حامی و نماینده طبقه سرمایه‌دار است، هرگز به این مساله که باعث بالا رفتن هزینه سرمایه‌داران و کاهش سود آن‌ها می‌شود تن نخواهد داد. برای آن‌ها تنها چیزی که ارزش ندارد جان کارگر است.**

می‌نامد. کیومرث حاجی‌زاده، مدیر کل "مدیریت بحران استانداری خوزستان" در گفتگو با خبرنگاری ایرنا در مرداد ۹۶ با اعلام این‌که در تابستان امسال (۹۶) در ۳۴ روز گرم، زمان کار اداری کاهش یافته است، می‌گوید: "تعطیلی در ساعت ۱۳ تنها شامل قسمت‌های اداری است و ستاد بحران نمی‌تواند کارخانجات و شرکت‌ها را که جزو بخش خصوصی هستند در شیفت تولید تعطیل کند". وی با بیان این‌که هدف ستاد بحران از کاهش ساعات کار اداری صرفاً صرفه‌جویی در مصرف برق است، ادامه می‌دهد: "تعطیلی و تغییر ساعت کاری کارگران جزء وظیفه ستاد بحران نیست و اداره کار و بهداشت باید در این زمینه ورود کنند و تاکنون نامه‌ای از خانه کارگر برای تغییر شرایط کاری کارگران در زمان افزایش دما نداشتیم."

کاری برای واحدهای صنعتی و کارگاهی از اختیارات بخش خصوصی است که مدعی هستند با تعطیلی متضرر می‌شوند". بدین‌ترتیب توپ با یک دور چرخ زدن، به زمین مجلس شورای اسلامی برگشت. "علی ساری نماینده اهواز" در مجلس اسلامی اما در این رابطه می‌گوید: "دمای بالا در خوزستان باید به عنوان یک فاکتور محیطی که قابل حذف و تغییر نیست مورد توجه قرار گیرد" وی وعده می‌دهد که موضوع بهبود شرایط کاری کارگران خوزستانی را در کمیسیون‌های مجلس مطرح کند!!! از آن زمان اما دو سال گذشته و آب از آب تکان نخورده است. در این میان فقط کارگران هستند که قربانی شرایط کاری می‌شوند که نتیجه مناسبات ظالمانه سرمایه‌داری است، مناسباتی که در سایه حکومت اسلامی، شرایط را حتا از دوران برده‌داری نیز بر

کارگران ایران سخت‌تر کرده است. شرایطی که سال از پی سال بدتر و سخت‌تر می‌شود. یک نمونه از این شرایط سخت، شرایط کار و زندگی در عسلویه است، بهشت سرمایه‌داران، جهنم روی زمین. جایی که به گفته‌ی عیسی کلانتری (معاون روحانی و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست) در نخستین نشست شورای ارزیابی محیط زیست منطقه آزاد چابهار در بهمن ۹۷، عمر مردم عسلویه ۹ سال کمتر شده و هر کسی در آن ورود کند نمی‌تواند ۲۴ ساعت دوام بیاورد.

منطقه‌ای که سودی سرشار و افسانه‌ای را نصیب سرمایه‌داران و دولت می‌کند، اما کارگرانی که تمام این ثروت محصول کار آن‌هاست در سخت‌ترین و بدترین شرایط کاری، با دستمزدهایی اسفناک استثمار می‌شوند. منطقه‌ای سرشار از ثروت و منابع زیرزمینی که ساکنان بومی آن نیز نصیبی از آن ثروت که در زیر پاهای‌شان است، نمی‌برند و تنها سهم آن‌ها ویرانی محیط زیست و هوای آلوده است.

به گزارش خبرگزاری دولتی ایلنا (۸ اردیبهشت ۹۸) "گرمای محیط تا پیش از اینکه پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها احداث شوند خود طاقت‌فرسا بوده، اما طی حداقل یک الی دو دهه اخیر که پالایشگاه‌ها سربرآوردند، دود آنها هوا را از هر آنچه که پاکي و تمیزی بوده، پالوده و با دی اکسید کربن جایگزین نموده است. هوای محیط در فصول گرم سال، برایشان به مثابه آتشی شده که در آن دود می‌دمند".

سوال مهم اما این است که چه عواملی در ایجاد این شرایط نقش داشته‌اند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که علت اساسی مناسبات سرمایه‌داری است، مناسباتی که قدرت اقتصادی و سیاسی را توامان در دست سرمایه‌داران متمرکز ساخته است. اما جدا از این علت ریشه‌ای، شرایط ویژه سرمایه‌داری در ایران، اوضاع را به‌گونه‌ای رقم زده است که برای کارگران ایران شرایط کاری و زندگی حتا از دوران برده‌داری و یا دوران اولیه پیدایش سرمایه‌داری در کشورهای اروپایی بدتر شده است.

نداشتن تشکل مستقل کارگری که جمهوری اسلامی با تمام قدرت از ایجاد آن‌ها ممانعت کرده و رهبران و فعالین محدود تشکل‌های مستقل کارگری را یا به زندان انداخته و یا از کار اخراج می‌کند، یکی از دلایل مهم شکل‌گیری این وضعیت است. وقتی کارگران فاقد تشکل‌های مستقل خود باشند، تشکلاتی که کارگران را متحد و از منافع آن‌ها در رابطه با دستمزد، ساعات کار و شرایط کاری دفاع کند، طبیعی‌ست که سرمایه‌داران جولان خواهند داد.



## جنایات سرمایه‌داران در گرمای ۵۰ درجه

به‌گفته‌ی حسین علی اکبری "دبیر اجرایی خانه کارگر سیستان و بلوچستان" بسیاری از کارگران سیستان با مشکلات تنفسی و یا سل دست‌وپنجه نرم می‌کنند در حالی که فاقد خدمات درمانی هستند (خبرگزاری "ایلنا" ۵ اردیبهشت ۹۷).

در حالی که کارمندان دولتی به دلیل گرمای بالا یا آلودگی هوا تعطیل می‌شوند، کارگران هرگز از چنین امکانی برخوردار نیستند و به‌ویژه با پیمانی شدن قراردادهای، اعتراض کارگران به اجبار در کار کردن در دمای بالا و آلودگی هوا با مشکلاتی از قبیل اخراج از کار روبروست. در حالی که تنها استان خوزستان ۹۰۰ هزار کارگر دارد که بیمه تامین اجتماعی هستند اما اغلب این کارگران به دلیل همین پیمانی بودن و موقت بودن قراردادهای از مزایای بدی آب و هوا مانند بسیاری دیگر از مزایا محروم هستند. برای نمونه پیش از این برای کارگران رسمی شرکت نفت به ازای هر سال کار در شرایط بد آب و هوایی ۲ سال سابقه کار برای‌شان محسوب می‌شد، اما با قراردادی شدن و باز شدن دست شرکت‌های پیمانی این امتیاز کارگران هم حذف گردید. به همین دلیل است که هم اکنون برای نمونه در عسلویه کارگرانی هستند که بیش از بیست سال سابقه کار دارند اما هنوز بازنشسته نشده‌اند.

واقعیت این است که کاهش ساعات کار، تغییر ساعات کار در ساعاتی که "پیک گرما بالا است"، کاهش سن و سابقه کار برای بازنشستگی، در اختیار قرار دادن امکانات و لوازم مورد نیاز، از جمله نوشیدنی‌هایی که مانع گرمزدگی می‌شوند و دادن استراحت کافی در بین ساعات کار همگی از جمله روش‌هایی هستند که می‌توانند شرایط کاری را برای کارگرانی که در گرمای بالا کار می‌کنند بهتر سازد، اما جمهوری اسلامی که حامی و نماینده طبقه سرمایه‌دار است، هرگز به این مساله که باعث بالا رفتن هزینه سرمایه‌داران و کاهش سود آن‌ها می‌شود تن نخواهد داد. برای آن‌ها تنها چیزی که ارزش ندارد جان کارگر است و اگر کارگری به دلیل شرایط کاری جان خود را از دست بدهد، به‌سادگی کارگر دیگری را جایگزین آن می‌کنند. تنها راه دگرگونی انقلابی مناسبات حاکم، برپایی انقلاب اجتماعی، نابودی مناسبات سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم است، و به آن امید.

مجبور به کار بر روی آسفالت‌هایی می‌شوند که از شدت گرما به کوره آدم‌سوزی تبدیل شده و همچون آتشی سوزان از پا به تمام وجودشان سرایت می‌کند.

موضوعی که نباید در این‌جا فراموش شود این است که کار در گرمای شدید جدا از خطر مرگ، آسیب‌های جسمی فراوانی برای کارگران به همراه می‌آورد که یکی از نتایج آن کاهش عمر در میان کارگران است. کار در گرمای بالا که به گرمزدگی شدید منجر شود، باعث می‌شود تا بدن کارگر دیگر قادر به دفع گرمای اضافی نباشد و بدین ترتیب سیستم تنظیم‌کننده دمای بدن، از کار افتاده و باعث تخریب اندام‌های بدن می‌شود.

به‌گفته‌ی آقایار حسینی "دبیر اجرایی خانه کارگر خوزستان" گرمای شدید در خوزستان آمار حوادث کار را بالا برده و کاهش دقت، افزایش ضریب حوادث و افزایش تلفات کارگران را در پی داشته. همچنین کار در گرمای شدید باعث تحلیل رفتن قوای جسمی، پیری زودرس و افزایش مرگ و میر کارگران در دوران بازنشستگی می‌شود.

به نوشته‌ی خبرگزاری دولتی "ایرنا" و به نقل از یکی از کارگران کارخانه فولاد، مصوبه ستاد بحران استان برای کارمندان که در زیر کولر کار می‌کنند اجرا شده اما نسبت به کارگرانی که در حین کار بیهوش و یا خون دماغ می‌شوند و جانشان در خطر است اجرایی نشده است.

این مساله به‌ویژه در مناطقی که گرمای هوا با عوامل دیگری همراه می‌شود به صورت حادثه‌ی خود را نشان می‌دهد که عسلویه یک نمونه است. براساس گزارش خبرگزاری دولتی "ایلنا" (۹ اردیبهشت ۹۸) "میزان بیماری و رنج کارگران آن اندازه است که برخی از آنها بعد از ده سال کار با تحمل بیماری‌های مختلف با دنیا وداع می‌کنند". وضعیت کارگران در سیستان و بلوچستان نیز به همین گونه است. در این استان که اساسا وضعیت اشتغال بسیار بدتر از دیگر نقاط کشور است، اگر کاری هم پیدا شود با مشقت بسیار همراه است و در این شرایط گرما و آلودگی هوا شرایط بد کاری را دوچندان می‌کند.

سرکوب اعتراضات کارگری یکی دیگر از این عوامل است. طبقه سرمایه‌دار حاکم با بهره‌گیری از دستگاه‌های امنیتی، نظامی و قضایی خود همواره به مقابله با اعتراضات کارگری برخاسته است، از به شلاق بستن کارگران، تا به زندان انداختن و به‌ویژه اخراج کارگران شرکت‌کننده در اعتراضات کارگری.

بیکاری و ترس از بیکار شدن یکی دیگر از عوامل این هجوم وحشیانه سرمایه‌داران به سطح معیشت و شرایط کاری کارگران است. در کشوری که بیش از ده میلیون بیکار داشته و در رکود عمیق اقتصادی بسر می‌برد، طبیعی‌ست که از دست دادن کار، حتا کاری که دستمزد پایینی دارد، یک قدم نزدیک شدن به مرگ از گرسنگی خواهد بود. بر بستر همین شرایط است که به اعتراف خبرگزاری "تسنیم" وابسته به سپاه پاسداران، درآمد ماهانه کارگران ساختمانی در زاهدان به ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد و بدون یارانه نقدی حتا از خرید نان نیز عاجز هستند. کارگرانی که از صبح زود تا غروب به خاطر به دست آوردن لقمه نانی در انتظار کارفرمایی می‌مانند، کارفرمایی که تا آنجا که می‌تواند از حق و حقوق کارگر می‌زند. یا خبرگزاری دولتی "ایلنا" از کارگرانی گزارش می‌دهد که کمتر از "حداقل دستمزد" مصوب شورای عالی کار دستمزد می‌گیرند، اما به دلیل شرایط زندگی‌شان و ترس از بیکاری، هر ماه زیر نامه‌ای را امضا می‌کنند که در آن نوشته شده "همه حق و حقوق خود را طبق قانون دریافت کرده و هیچ ادعایی ندارم" و از قول یکی از همان کارگران می‌نویسد: "چاره‌ای ندارم. اگر پایم به دادگاه و شکایت باز شود، همین حقوق یک میلیون تومانی هم از کفم می‌رود؛ چاره‌ای ندارم؛ جز سوختن و ساختن. چه باید کرد؟".

یک عامل مهم دیگر سیاست‌ها و قوانین حاکم هست که مدام به نفع طبقه حاکم (سرمایه‌دار) و به ضرر طبقه محکوم (کارگر) در حال تغییر نیز هست. یکی از این قوانین، قراردادهای پیمانی، موقت و حتا سفید امضاء و باز کردن دست شرکت‌های پیمانکاری حتا در بزرگترین صنایع از جمله در واحدهای تولیدی و خدماتی عسلویه، پالایشگاه‌ها، کارخانه‌های خودروسازی و غیره است.

برای نمونه در عسلویه، دستمزد کارگران پیمانی کمتر از نصف دستمزد کارگران رسمی است، و این در حالی‌ست که کارگران پیمانی برخلاف کارگران رسمی که ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی دارند، ۲۱ روز کار و ۷ روز مرخصی دارند و تازه گاه ماه‌ها دستمزدشان پرداخت نمی‌شود. اگر اعتراضی هم به شرایط کاری از جمله گرما و نبود وسایل ایمنی، غذا و غیره داشته باشند، بدون هیچ مشکلی برای کارفرما، از کار اخراج شده و یا قراردادهای تمدید نمی‌شود. به همین سادگی!!

این مساله همچنین در مورد کارگران شهرداری‌های مناطق جنوب کشور نیز صادق است که تقریباً بدون استثنا برای شرکت‌های پیمانی کار می‌کنند و به همین دلیل در اوج گرما



رژیم جمهوری اسلامی  
را باید با یک اعتصاب  
عمومی سیاسی و قیام  
مسلحانه بر انداخت.

کار - نان - آزادی  
حکومت شورائی

سازمان فدائیان رزق‌تپ

## جنایات سرمایه‌داران در گرمای ۵۰ درجه

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 826 June 2019

در حالی‌که برای نجات کارگر گرمزده از مرحله اغما تا مرگ قطعی تنها ۲۰ دقیقه فرصت است، اما کارفرمایان هیچ‌گونه اقدام پیشگیرانه‌ای برای جلوگیری از گرمزدگی کارگران در حین کار انجام نمی‌دهند. یکی از این اقدامات ساده‌ی پیشگیرانه، تعطیلی کار در اوج ساعات گرم روز است که سرمایه‌داران به دلیل منافع و سود خود هرگز به تعطیلی کار در این ساعات تن نداده‌اند. در این میان تمام مقامات و نهادهای حکومتی نیز با شانه خالی کردن از بار مسئولیت خود، تقصیر را به گردن دیگر نهادها انداخته و یا تنها به دادن وعده و شعار بسنده کرده‌اند.

وقتی در مرداد ۹۵، در شهر اهواز ۶ کارگر ساختمانی در اثر گرمزدگی به بیمارستان منتقل شدند و یکی از آن‌ها متأسفانه جان خود را از دست داد، "راضی نوری نماینده شوش" در

در صفحه ۸

با فرا رسیدن فصل گرما و روزهایی که دمای هوا در برخی از مناطق پا را از ۵۰ درجه نیز فراتر می‌گذارد، کارگرانی که به ویژه در فضای آزاد مجبور به کار هستند، برای ادامه حیات باید با دشمن جدیدی دست و پنجه نرم کنند، دشمنی که هر ساله قربانیانی از میان کارگران طلب می‌کند. دشمنی که در سایه بی‌حقوقی مطلق کارگران در نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران به هیولایی مخوف تبدیل شده است.

هر سال اخباری از مرگ خاموش کارگرانی در فصل گرما منتشر می‌شود که در اوج ساعات گرم تابستان مجبور به کار شده و بدن‌بال آن در اثر شدت گرما به کما رفته و جان خود را از دست می‌دهند. کارگران پالایشگاه‌ها، سکوی نفت و گاز و مانند آن، کارگران شهرداری‌ها، کارگران کشتی‌های صیادی و تجاری، کارگران ساختمانی و کارگران بنادر از جمله این کارگران هستند.



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومه تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

**دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

سه‌شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**جمعه: ۲۲ تا ۲۴**

**شنبه: ۲۲ تا ۲۳**

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر  
یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی